



واکاوی سبک‌شناسانه سوره قلم

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۳۰)

عباس اقبالی^۱؛ سعیده حسن‌شاهی^۲

چکیده

سبک‌شناسی دانش یا روشی است که دست‌مایه بسیاری از تحلیل‌گران نصوص ادبی و پژوهشگرانی است که به بررسی جنبه زبانی قرآن پرداخته‌اند؛ چه در میان متون ادبی، قرآن کریم دارای سبکی مشخص و شایان توجه متن‌پژوهان است. این جستار با روش توصیفی - تحلیلی به سبک‌شناسی سوره قلم پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که این سوره در سطح فکری، نفی اتهام از پیامبر، تحسین اخلاق نیکوی آن حضرت و نقد ناهنجاری‌های اخلاقی معاندان را می‌رساند و با توجه دادن به سرگذشت قومی دیگر، تداوم سنت الهی در حق کافران و تکذیب‌کنندگان و معاندان پیامبر را گوشزد می‌شود. سبک به کار رفته در این سوره در سه سطح آوایی، نحوی و واژگانی، در خصوص توجه دادن به عاقبت کارها، کیفر گناهان و هدایت انسان‌ها هماهنگ است. در سطح نحوی، کاربرد فعل مضارع، تداوم دشمنی با پیامبر اکرم را می‌رساند. در سطح ادبی نیز، تناسب بلاغی درون برخی از آیات و بین آیات این سوره، نشان‌دهنده رابطه سببی یا علی مفاهیم آیات است. همچنین تکرار خطاب‌های پرسشی برای تأکید و سوق دادن مخاطبان به تدبر در عاقبت امور می‌باشد.

واژگان کلیدی: سوره قلم، سبک‌شناسی، فواصل، تکرار، تناسب.

۱. مقدمه

واکاوی سبک‌شناسانه متون هدفمند، به کشف لایه‌های معنایی نهفته در ورای الفاظ می‌انجامد. این روش در آثار پیشینیان بیشتر به معنای «طرز نگارش» و «زبان و شیوه گفتار» بود و آنچه مورد توجه قرار می‌گرفت، جنبه ظاهری و بیرونی کلام بود، نه فکر و بینش گوینده، (کریمی، ۱۳۸۹: ۸۰) ولی در قرن حاضر از منظر ادیبان و ناقدان، مفهوم سبک تغییر

(۱) دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)؛ aeghbaly@kashanu.ac.ir
(۲) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه کاشان؛ sarahasanshahi@yahoo.com

یافته است. به گفته شمیسا سبک از تعریف سنتی خود فاصله گرفته و دارای مفهومی تازه گشته و عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله معنای القاء شده که آن نیز به نوبه خود، وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت است. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۰)

در یک کلام می‌توان گفت: سبک ادبی، ویژگی‌های منحصر به فرد هر گونه بیان کلامی است. نوعی گزینش از میان انبوه ماده خام و چینش هنرمندانه و اثرگذار مواد انتخابی، به نحوی که تأثیری هنری و ماندگار بر ذهن و روان خواننده بر جای گذارد. از این حیث سبک ادبی، نوعی هنر کلامی است. (حری، ۱۳۸۹: ۳۹) در جستار پیش رو، سوره قلم که آکنده از نمودهای هنری زبانی است، مورد واکاوی سبکی قرار گرفته و در پی آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

بارزترین شاخصه‌های سبکی سوره قلم کدام است؟

سطوح سبکی (فکری، زبانی و ادبی) سوره قلم، چه ویژگی‌هایی دارند؟
 دلالت‌های سبکی این سوره چیست؟

۲. پیشینه و ضرورت تحقیق

قرآن به مثابه عالی‌ترین نمونه هنر کلامی، به ویژه به دلیل وحیانی بودن آن، همواره مورد توجه متن‌پژوهان بوده و پژوهش‌های ارزنده‌ای درباره سبک‌شناسی سوره‌های قرآن به سامان رسیده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. «سبک‌شناسی سوره مریم (ع)» از جمله نتایج این پژوهش آن است که تمام واژگان این سوره در جایگاه ویژه خود قرار دارند و در مقام بزرگ جلوه دادن مطلب به صورت نکره و هنگام توضیح و شرح به صورت معرفی آورده شده‌اند. همچنین شکایت‌ها، غم و اندوه حاکم بر فضای داستانی این سوره به کاربست فراوان آواهای مدی انجامیده است. (خاقانی و اصغری، ۱۳۸۹: ۹۳)

۲. «ومضات أسلوبیه فی سوره الرحمن»، در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی عناصر سبک‌ساز بر مبنای چهار سطح آوایی، صرفی، نحوی و دلالتی واکاوی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین نشانه‌های سبکی سوره الرحمن رعایت فاصله‌ها و خلق آهنگی شگفت از طریق حروف لین و مد است. همچنین پدیده تکرار در دلالت‌های هامشی و تأکید بر معنای مراد نقش‌آفرین هستند. (خاقانی و جلیلیان ۱۳۹۱: ۴۱)

۳. «سبک‌شناسی سوره واقعه براساس تحلیل زبانی» از پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه. از نتایج این پژوهش آن است که در سوره واقعه تغییرات سبکی تحت تأثیر عوامل گوناگون درون‌متنی و برون‌متنی مانند هم‌متن و بافت رخ داده است. علاوه بر این، تغییر سبک

متناسب با معنا و اهداف آیات است و با به کار بردن ویژگی‌های زبانی و عناصر بلاغی، سبک سخن را بر اساس حال مخاطب و اهداف خاص آیات، دگرگون کرده است. تغییرات سبکی مانند التفات در شخص و عدد فعل، التفات در مخاطب کلام، تغییر در چینش و بسامد حروف، با تغییر در لحن و سبک آیات، سبب تناسب محتوا و سبک بیانی آیات شده است. (آزادی و نیکخواه، ۱۳۹۷: ۶۷) ۴. «واکاوی سبک‌شناسانه سوره مبارکه فجر» از عباس اقبالی و رویا اسماعیلیان، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نظم‌آهنگ برآمده از سجع واژگان، جناس، تکرار واکه‌ها، پرسش تنبیهی با سویه «آلم تر...»، با رویکرد هشدار و اندرز گرفتن از سرگذشت پیشینیان و توجه دادن به حیات واقعی سازواری دارد. از نظر «آوا معنایی»، صوامت و صوائت سوره با مضامین نهفته در آیات و پیام‌های این سوره همگون می‌باشند. سبک استفاده از آرایه‌هایی مانند مراعات نظیر، طباق فاصله‌ها و نبرهای آیات، مایه انتقال رسای مفاهیم گشته است. همچنین فرایندهای زبانی در سطوح زبانی و ادبی به زیبایی متن افزوده و در جذب و اقناع مخاطب اثرگذار است. (اقبالی و اسماعیلیان، ۱۳۹۸: ۱۴۸) درباره سوره قلم مقاله «آموزه توحید ربوبی در سوره قلم» از قمر کوهی گونیانی و دیگران. در این پژوهش به واکاوی محتوای سوره پرداخته شده و به نقد الگوهای جامعه جاهلی و سوق دادن مخاطبان به انتخاب الگوی بهتر اشاره دارد و در خصوص شیوه‌های سخن این سوره، در قالب یک نمودار مواردی مانند سوگند، پرسش، تلویح را نشان می‌دهد. (قمرکوهی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۷)

واکاوی سبک‌شناسانه سوره‌های قرآن، زیبایی‌های بلاغی و هنر زبانی به کار بسته در آیات را نشان می‌دهد، ولی از آنجا که سوره قلم آکنده از نشانه‌های سبکی است و شناسایی آن‌ها زیبایی هنری و بلاغت سخن در این سوره را معلوم می‌سازد و تا کنون پژوهشی مستقل در این خصوص صورت نگرفته است، این جستار به واکاوی سبک‌شناسی این سوره و سؤالات مرتبط مطرح شده در مقدمه این پژوهش می‌پردازد.

۳. مبانی نظری پژوهش

سوره قلم شصت و هشتمین سوره قرآن است. این سوره در شرایطی نازل شد که پیامبر دعوت خود را علنی کرده بود و همگان از محتوای رسالت وی مطلع شده بودند. از این رو مشرکان همه تلاش خود را برای استمرار رویارویی با دعوت پیامبر (صلی الله علیه) به کار می‌بردند.

در واکاوی سبک‌شناسانه سوره مورد نظر، عناصر سبک‌ساز متن، در چهار سطح فکری، زبانی، نحوی و ادبی واکاوی می‌شوند و محتوای آیات، توجه به واژگانی که در جهت رعایت فاصله‌ها گزینش و به کار بسته شده‌اند و مواردی مانند توازن نحوی، بسامد پدیده تکرار و آرایه‌هایی از قبیل «تناسب»، «تشبیه»، «کنایه» و «استعاره» بررسی و تحلیل می‌شوند.

۴. مشخصات سبکی سوره قلم

سوره قلم از جمله سوره‌های مکی است. مفاهیم آیات، تنوع واژگانی، ویژگی‌های ساختاری و برجستگی‌های سبکی این سوره را می‌توان در سه محور فکری، زبانی و ادبی مورد بررسی قرار داد.

۴. ۱. سطح فکری

در واکاوی سطح فکری، پژوهشگر به محتوای اثر توجه دارد. ژیمونسکی در تعریف سبک، وحدت میان شکل و محتوا را در نظر می‌گیرد و می‌گوید: «سبک نویسنده همان جهان‌بینی وی است که در قالب تصویر و به وسیله زبان بیان می‌شود؛ از این رو مطالعه سبک نویسنده و هدف‌هایی که از آن دارد، جدا از محتوا و عقیده و تصویرواره‌ای که در پس آن است، کاری ناممکن است» (خرایچنکو، ۱۳۶۴: ۹۷) در بررسی سطح فکری، شناسایی دیدگاه صاحب متن دنبال می‌شود (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۲۲) بر این مبنا، در شناسایی سطح فکری سوره قلم، مواردی مانند نقد الگوهای جامعه جاهلی و سوق دادن مخاطبان به انتخاب الگویی بهتر، بیان ناکامی تهمت زندگان به پیامبر و نوید پیروزی نهایی حق بر باطل نشان داده می‌شود. نشانه‌هایی که این مفاهیم را می‌رسانند به قرار زیر است:

۱- آیات آغازین سوره قلم؛

۲- آیات پایانی سوره قلم؛

۳- داستان سوره قلم (خامه‌گر، ۱۳۸۲: ۴) آیه دوم این سوره ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٌ﴾ که از نظر نحوی جواب سوگند آیه قبل است، در پاسخ مشرکانی است که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تهمت جنون زده‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰، ۸۴) تهمتی که در گزاره ﴿وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾ (قلم/ ۵۱) بدان اشاره شده است. سیاق سخن نشان می‌دهد که منظور از نعمت مطرح‌شده در این آیه، نعمت نبوت است (طباطبائی، ۱۹۷۴: ۱۹، ۳۶۸) در آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/ ۴) به تمجید اخلاق نیکوی پیامبر پرداخته است. بی تردید، شخص متخلق به خلق برتر و کردارهای نیکو نمی‌تواند مجنون باشد (رازی، ۱۹۹۰: ۳۰، ۷۱) آیات بعدی یعنی ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ﴾ ﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ (قلم/ ۳۴ و ۳۵) یادآور سرانجام کسانی است که حق را تکذیب می‌کنند و اینکه پاداش پرهیزگاران، بهشت برین و برخوردار شدن از نعمت بهشت برین است و مجرمان سرنوشتی متفاوت خواهند داشت.

همچنین آیات ﴿وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِينٍ﴾ ﴿هَمَّازٌ مَّشَاءَ بِنَمِيمٍ﴾ ﴿مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ﴾ ﴿عُتُلٌّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ﴾ (قلم/ ۱۳-۱۰) که به برشمردن خصلت‌های نابهنجار (بسیار سوگندخور در حق و باطل، عیب‌جو، سخن‌چین، بازدارنده از کار خیر، تجاوزگر و بسیار گناهکار و شرور) مشرکان می‌پردازد، بیانگر دیدگاه خداوند متعال نسبت به معاندان پیامبر است و با تمثیلی

از داستان باغداران ثروتمند و با تعبیر کنایی ﴿سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطوم﴾ (قلم ۱۶) سرانجام ذلت‌بار ستمگرانی را بیان می‌کند که سرمست از باده قدرت، به تحقیر دیگران می‌پردازند. بدین‌سان سطح فکری این سوره، ناپایداری قدرت کاذب مشرکان را هم یادآور می‌شود. از آن‌جا که همیشه بین محور داستان و غرض سوره، هماهنگی و همخوانی وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که هدف اصلی این سوره «ترسیم ناکامی مشرکان» است. (شجاع‌پوریان، ۱۳۹۲: ۱۱۳) دو آیه پایانی ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿۵۲﴾ و مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۵۲﴾ بازآفرینی محتوای سوره و به نوعی یادآوری ستیز کافران با پیامبر اکرم است؛ به دیگر سخن، در این آیات، پس از آن‌که سوره به دامنه خود نزدیک می‌شود و اندک اندک فرود می‌آید، به یک‌باره لحن کلام اوج می‌گیرد و دوباره به قله سخن باز می‌گردد و در همان حال، سوره به پایان می‌رسد.

بدین ترتیب، فرجام سوره مبارک قلم، همچون آغاز آن مشتمل بر آیاتی است که اوج درماندگی و واماندگی مشرکان را ترسیم می‌کند و اعلام می‌دارد: کافران هنگامی که از تو آهنگ تلاوت قرآن را می‌شنوند، با درونی انباشته از کینه و عداوت نگاهت می‌کنند، گویی می‌خواهند با نگاهشان تو را بکشند و چون از مقابله با تو احساس درماندگی می‌کنند، به تو تهمت جنون می‌زنند.

۴. ۲. سطح زبانی

پس از گذر از لایه فکری این سوره، به سطح بالایی متن می‌رسیم که همان سطح زبانی است. در این سطح که خود به سه سطح آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌شود، به بررسی موسیقی درونی و بیرونی اثر ادبی پرداخته می‌شود. در سطح لغوی نحوه گزینش واژگان، ساده یا مرکب بودن الفاظ، محور همنشینی جمله‌ها، کوتاهی، بلندی و اسمیه و فعلیه بودن آنها بررسی می‌شود. زمان افعال و ضمائر از جمله مشخصه‌های سبک‌ساز در این سطح است. (نجفی ایوکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷)

۴. ۳. سطح آوایی

آواها امواج قابل حسی هستند که در فضا حرکت می‌کنند و بعد از اندکی از بین می‌روند و قسمتی از آن‌ها بسته به شدت نوسان، در گوش باقی می‌مانند و دلالت‌هایی از جمله شادی، اندوه، نهی، امر و ... را به همراه دارند. (الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۴)

آواها با موسیقی و آهنگ خاصی که به واژگان می‌دهند، در انتقال پیام نقشی بس مهم بر عهده دارند. این قبیل دلالت‌ها ریشه در موسیقی بیرونی و درونی متن‌ها دارد. در خلق موسیقی بیرونی، آهنگ حروف یا صامت‌ها، موسیقی صائت‌ها (حرکات کلمه مانند فتحه، ضمه، کسره) واژه‌های هم‌قافیه و قطعاتی که در وزن و بحر یکسان هستند، نقش دارند و موسیقی درونی از

عنصری مانند: سجع، جناس، آهنگ الفاظ، انواع تکرارها، موسیقی مصوت‌ها و درآمیختگی آن با صامت‌ها (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳) تضاد و مراعات نظیر پدید می‌آید. مسلماً همین آوامعنائی که از طریق حروف صامت و مصوت‌ها شکل گرفته، یکی از ابزارهای اصلی انتقال معنا در قرآن کریم است. (قهرمانی، ۱۳۹۵: ۱۵۴) در سوره قلم دو پدیده سجع و تکرار، موسیقی درونی را در پیکره این سوره به وجود می‌آورد. آهنگی که مایه جذب و تأمل مخاطب می‌شود.

۴. ۱. ۳. ۴. سجع

کلمات پایانی نثر را فاصله می‌نامند. اگر فواصل در حرف آخرشان با یکدیگر مشترک باشند، به این پدیده سجع گفته می‌شود. (الجارم، ۱۳۸۶: ۲۷۲) بر این اساس فواصل آیات سوره قلم بستر سجع این سوره است. تمامی فواصل سوره قلم، به جز آیات ۱۶، ۲۰ و ۳۴ با حرف نون به پایان می‌رسد. حرف نون که در آغاز این سوره آمده است، پس از حروف مد، بیشترین تکرار را در فواصل قرآن دارد. (خاقانی، ۱۳۹۱: ۴۴) حرف نون دارای وضوح است و از حروف مجهور به شمار می‌رود و معنای ثبوت و استمرار را در خود دارد. (خاقانی، ۱۳۹۱: ۴۵)

در این میان، "علیلی و آرسوزی" کاربرد این حرف را برای بیان عمق معنا و صمیمیت ذکر کرده‌اند و بر این باورند که بیان اعماق درد و اندوه از آوای برآمده از حرف "ن" قابل دریافت است. (عباس، ۱۹۸۸: ۱۰۸) در ۵۲ آیه این سوره ۴۲ عدد از فاصله‌ها به حرف نون ختم شده است. با این فراوانی حرف نون، اوج درد و اندوه پیامبر به مخاطب القاء می‌شود؛ چرا که ایشان از سوی کافران مورد اتهام قرار گرفته بود و خداوند در آیه ۴۸ او را به صبر دعوت می‌کند و او را از پیامدهای بی‌صبری آگاه می‌کند: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾ (قلم/۴۸) علاوه بر این‌ها در آیات ﴿وَلَا تَطْعَمْ كُلَّ يَوْمٍ مِّمِّينَ﴾ هم‌آز، مَشَاء، نَمِيم، مَنَّاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أُنِيمٌ ﴿عُتْلُ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ﴾ «آن‌کَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينٍ﴾ (قلم/۱۰-۱۴) که از خصیلت‌های ناهنجار معاندان پیامبر سخن می‌گوید، ختم کلمات «حَلَّافٌ، مَّهِينٌ، هَمَّازٌ، مَشَاءٌ، نَمِيمٌ، مَنَّاعٌ، مُعْتَدٍ، أُنِيمٌ، عُتْلُ، زَنِيمٌ، مَالٌ» با آوای حرف نون و تنوین، مایه نگره گشتن و تفخیم کلمات است و سایه معنای تکرار این تنوین‌ها از شدت خشم خداوند نسبت به کفار حکایت می‌کند.

موسیقی و هارمونی کلام با معنا و سیاق سخن پیوندی تام دارد و برحسب آن، گاه شدید و کوبنده است و گاهی آرام و دمی تند و زمانی کند. بدین سبب آوای درونی کلام و علائم صوتی نشانه احساسات و انفعالات درونی سخنور است و مخاطب را در فهم متن یاری می‌رساند. (حسنعلیان، ۱۳۹۵: ۶۱) در سوره قلم فراز و فرود آواهای برآمده از فاصله‌های مختوم به حرف نون و یا مختوم به تنوین‌های متفاوت جری و رفعی و گرد آوردن واژه‌های متوازن به ایجاد یک توالی موسیقایی انجامیده و مایه جلب نظر و درنگ مخاطب و یاری‌گری در درک و فهم پیام است.

۴. ۳. ۲. تکرار

تکرار که از آن در فرهنگ‌نامه‌های عربی با واژگان «التکریر، التردید، الترداد» تعبیر شده است، (العبد، ۲۰۰۵: ۲۳۱) در آفرینش یک اثر هنری و اشاعه جنبه زیباشناسانه و هنری آن و نیز در برجسته‌سازی اندیشه‌ها در جلوه ویژه بخشیدن به آن و بیان داشتن دغدغه‌های ذهنی متکلم تاثیر بسزایی دارد. تکرار که بیانگر وقوع مجدد کلام می‌باشد، در طرح دعوا و اثبات آن از سوی متکلم در فرآیند گفتمان از بارزترین کاربردهای اقناع زبانی به حساب می‌آید. این تکنیک از کارکردهای مختلف زبانی، بلاغی و موسیقایی همچون توضیح و تفسیر معنای کلام، ایجاد خلاقیت و باروری معنا، برجسته‌سازی مضمون، تأکید کلام و اثبات آن در روند گفتمان برخوردار است. (العبد، ۲۰۰۵: ۲۳۱) بعضی از صاحب‌نظران همچون ابوهلال عسکری تکرار را به عنوان کاربردی ارتباطی اقناعی می‌دانند که به تأکید کلام در ذهن مخاطب می‌انجامد. (العسکری، ۱۹۵۲: ۱۵۶-۱۵۷؛ اقبالی و امیری، ۲۰۱۸: ۱۴۸) افزون بر این‌ها، پدیده تکرار از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها در شکل‌گیری فن موسیقی است و در آفرینش دو نوع موسیقی درونی و بیرونی سهم بسزایی دارد. (غلامحسین زاده، ۱۳۸۹: ۸۹) پدیده تکرار به گونه تکرار آوایی و تکرار واژگانی نمایان می‌شود.

تکرار حرف به تکرار معنا و تصویر حاصل از آن و نیز به تقویت و مبالغه مفهوم مورد نظر منجر می‌شود. به نوعی، افزون شدن یک یا چند صوت در یک آیه، به بار معنای اصلی می‌افزاید؛ زیرا پیوند صوتی حروف و مخارج آن‌ها دلالت بر معنایی خاص دارد که هر صوت موجود در یک لفظ، گویای قسمتی از آن معنایی است که الفاظ آیه همگی در تعبیر از آن می‌کوشند. (سیدی، ۱۳۹۲: ۴۴) در سوره قلم در میان صامت‌ها، نسبت به سایر حروف، حرف نون با ۱۳۳ بار تکرار بیشترین بسامد تکرار را دارد. پس از آن حرف میم ۹۷ بار تکرار شده است. این حروف به دلیل اینکه از حروف غنه هستند، حکایتگر رنج شدید می‌باشند. در زمره مصوت‌ها نیز واو مدی بیشترین فراوانی را دارد. واو مدی با کششی که در خود دارد، موسیقی خاصی را به این سوره بخشیده است. بدین ترتیب تکرار آوایی موجب پدید آمدن نوعی موسیقی نامرئی در بطن سوره قلم شده است؛ زیرا موسیقی نامرئی پدیده‌ای است که در آن مجموعه‌ای از صامت‌ها و مصوت‌هایی که در دو یا چند کلمه اشتراک دارند، تکرار می‌شوند بی‌آنکه عین آن کلمه تکرار شده باشد. (سیدی، ۱۳۹۲: ۴۳)

بدین ترتیب، موسیقی پنهان به عنوان یکی از جنبه‌های اعجازی سوره قلم در تکرار آواها تجلی یافته و موجب می‌شود که شنونده آیات این سوره - حتی اگر در زبان عربی تبصر نداشته باشد - به محتوای سوره توجه کند و در پی کشف سایه‌معنای (مفاهیم نهفته) این آواها برآید. سطح بعدی تکرار، سطح واژگانی است. مقصود از سطح واژگانی مجموعه‌ای از اشاره‌ها و علامت‌های زبانی است که ساختار هر متنی را به صورتی متمایز از متن‌های دیگر تشکیل می‌دهد و چارچوب معینی از مجموعه واژگانی است که از لحاظ دلالت با یکدیگر

ارتباط دارند و می‌توانیم آن‌ها را در یک دسته قرار دهیم که این مجموعه ساختار کوچکی از چارچوب اصلی متن است. (نجفی ایوکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۹) مهم‌ترین پدیده واژگانی در سوره قلم، تکرار است که در سطوح و گونه‌های مختلف قابل مشاهده است:

تکرار حرف، تکرار واژگان، تکرار عبارات و تکرار کامل یک بند. (خلیل، ۲۰۱۱: ۳۲۱)
تکرار حرف، بیشتر در بخش آوایی سوره اثرگذار بوده است که به برخی مواردش اشاره شد، ولی تکرار واژگان متن، یکی از عوامل برجسته‌سازی این سوره است. برای نمونه تکرار واژه «مجنون» در ابتدای سوره، در آیه ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٌ﴾ (قلم/۲) و در پایان آن، در آیه ﴿...يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾ (قلم/۵۱) مایه پیوندی عمیق میان آغاز و پایان این سوره شده است. به دیگر سخن، تکرار واژه مجنون در این آیات به نوعی، یکی از ابزارهای انسجام این سوره است.

از دیگر نمونه‌های تکرار، تکرار وزن‌های فَعَال و فَعِيل در آیات ﴿وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَاظٍ مَّهِينٍ﴾ هم‌آز هم‌آز مَشَاءَ بَنَمِيمٍ ﴿مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتِيمٍ﴾ (قلم/۱۱-۱۳) است. تشدید وزن «فَعَال» در کنار تکرار فعل «لَا تَطْعُ» موجب می‌شود وجه سخت‌گیرانه‌تر و تأکیدی به امر خداوند بخشیده شود.

نوع دیگر از تکرار واژگان در سوره قلم، تکرار جانی است؛ یعنی دو واژه به صورت مکرر در کنار یکدیگر آورده می‌شود، اما مدلول آن دو با هم متفاوت است. برای مثال در آیه ﴿فَسْتَبْصِرْ وَيُبْصِرُونَ﴾ (قلم/۵) خداوند به نوعی دو پیام و هشدار متضاد بشارت و تهدید را در قالب تکرار واژه‌ای یکسان می‌آورد؛ بشارت برای پیامبر با لفظ «فستبصر» که این بصیرت با حرف «فاء» و «سین» آینده‌ای نزدیک را می‌رساند و تهدید برای برای مشرکان با واژه «یبصرون» که خالی از سین است. پرواضح است که کاربست فعل مضارع بر تداوم سنت الهی و ناگزیری مشرکان از دیدن فرجام رفتار خویش دلالت دارد.

بارزترین نمونه تکرار عبارت، آیات ﴿أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ﴾ سَأَلَهُمْ أَبِهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٍ ﴿(قلم/۳۷-۴۰) است که تعبیر «ام لکم» در آن تکرار شده و تأکید را القا می‌کند. همچنین در آیات ﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ مُّتَقَلِّبُونَ﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿(قلم/۶۷ و ۶۸) تکرار خطاب برآمده از حرف خطاب «کم» بر تأکید و عبارت «تسألهم...» بر هشدار به مخاطبان دلالت دارد.

۵. سطح نحوی

جملات که واحدهای واقعی زبان به شمار می‌روند، با استفاده از قواعد نحوی ساخته و پرداخته می‌شوند. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، کیفیت وجه و زمان، همگی بیان‌کننده نوع اندیشه است. بنابراین حالات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند. (محمدی افشار، ۱۳۹۶: به نقل از فتوحی، ۲۶۷) بر این

اساس می‌توان گفت: خلاقیت جمله، وظیفه نحو است که با فرا گرفتن این مجموعه منظم، ذهن انسان می‌تواند تمامی عواطف، احساسات و ادراکات خود را در قالب‌های زبانی ریخته و بیان کند. (باقری، ۱۳۷۸: ۱۵۸) در این راستا ساختار نحوی سوره قلم همانند بسیاری دیگر از سوره‌های مکی دارای جملات کوتاه است؛ زیرا رویکرد سوره گزاره‌های قطعی است که استدلال و گسترش عبارت را نیاز ندارد. از نظر نوع جملات، متناسب و همگون با محتوای سوره که رویکرد هشدار در آن برحسته است، سبک نحوی متن، شیوه‌ای محکم و راسخ را می‌طلبد. از این رو در این موارد، جمله‌های اسمیه که بر ثبوت و دوام و جمله فعلیه که بر نوبه‌نو شدن و حادث شدن دلالت دارند، (الهاشمی، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵) به کار گرفته شده است. در این سوره، جمله‌های فعلیه که در تفهیم مطالب و تأثیرگذاری بر مخاطب قابلیت بیشتری دارد، حضوری پررنگ دارد. برای مثال آنگاه که خداوند متعال می‌خواهد پیامبر را از پیروی از بدکاران نهی کند، صریحاً از جملات فعلیه بهره می‌برد و می‌فرماید: ﴿فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ* وَذُوا لَوْ تَدَّهْنُ فَيَدْهِنُونَ* وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ﴾ (قلم/۸-۱۰) همچنین آیات ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و آیات ۴۸، ۴۹، ۵۰ و ۵۱ که در صدد بیان رفتار معاندان پیامبر است، نمونه‌هایی از جملات فعلیه این سوره است. در ساختار اسمی، آیاتی مانند ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ* وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾ (قلم/۲-۳) که در مقام بیان پدیده پایدار تداوم نعمت و اجر خداوند نسبت به پیامبر اکرم است و آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/۴) که اخلاق نیکوی پیامبر را مطرح می‌کند و آیه ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ﴾ (قلم/۳۴) که پاداش بهشت را برای پرهیزگاران نوید می‌دهد و از پدیده‌های پایدار گزارش می‌دهد، در خور توجه است. همچنین در آیه ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (قلم/۷) که خداوند در صدد بیان صفت علم خویش است، ساختار نحوی عبارت، جمله اسمیه موکده است.

۶. سطح لغوی

در این سطح، سبک‌شناسی واژگان به کاررفته در متن و اقسام آن‌ها و بسامد هر یک از این اقسام یعنی حرف، اسم و فعل بررسی می‌شود. کاربرد و اواقسم در اولین آیه و حرف تأکیدی «إِنَّ» در آغاز برخی از آیات و افزودن لام تأکید در آیه ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ﴾ بر قطعیت گزاره‌ها و تأکید بر توجه و شگردی در اقناع مخاطب است. سبک لغوی برخی از اسم‌ها، رسانای معنایی شگرف است؛ برای مثال از آنجا که معمولاً افزایش ساختار کلمه به تغییر و فزونی معنا می‌انجامد، در آیات ﴿وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ* هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ* مَنَّاعٍ لِلْخَبِيرِ مُعْتَدٍ أَنِيمٍ* عَتُلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ﴾ (قلم/۱۰-۱۳) واژگان «حلاف»، «همّاز»، «مشّاء»، «مَنَّاع» که به صورت صیغه‌های مبالغه آورده شده‌اند، شدت ناهنجاری‌های اخلاقی سوگند دروغ، عیب‌جویی، سخن‌چینی و بازدازننده کار نیک را می‌رساند.

سال سوّم

شماره دوم

پیاپی: ۶

بهار و تابستان

۱۳۹۹

در سوره قلم ۵۲ فعل به کار رفته است که از این تعداد ۱۵ فعل ماضی، ۲۲ فعل مضارع و ۶ فعل امر است که ۵ فعل آن بر آینده دلالت دارند.

با کاربست فعل های ماضی «بَلَوْنَا، بَلَوْنَا، طَافَ، أَصْبَحْتَ، تَنَادَوْا، انطَلَقُوا و غَدَوْا» که بر قطعیت وقوع حادثه دلالت دارد، سرگذشت قومی از یمن (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹، ۳۷۳) را یادآور می شود و به مشرکان و معاندان پیامبر هشدار می دهد که از سرگذشت آنان که نمونه ای از سنت الهی است، عبرت بگیرند.

همانطور که نمودار بالا نشان می دهد، فعل مضارع بیشترین بسامد را در این سوره دارد. فعل های مضارع «يَتَخَفَتُونَ و يَتَلَاوُمُونَ» که در بیان سرگذشت آن قوم به کار رفته، بیانگر آن است که رفتاری آنان حادثه ای زودگذر نبود، بلکه به دنبال آن به سرزنش یکدیگر پرداخته اند. هنرورزی قرآن در التفات از کاربست فعل های ماضی به افعال مضارع «تَحْكُمُونَ، تَذْرُسُونَ، تَخَيَّرُونَ و تَحْكُمُونَ» که در خطاب به معاندان پیامبر اعظم آمده است، از همانندی رفتار معاندان پیامبر با قوم مورد اشاره در آیات ۱۷ به بعد و استمرار عداوت آنان نسبت به آن حضرت حکایت دارد. در ادامه آیات، کاربست فعل مضارع «أُمْلِي» از استمرار سنت الهی خبر می دهد. سایه معنای این سبک نحوی آن است که دشمنی با پیامبر، پدیده ای نه صرفاً در یک زمان، بلکه رفتاری مستمر و بر زمان است و همگان باید از سرگذشت یثیینان عبرت بگیرند و بدانند که مهلت دادن خداوند به معنای نادیده گرفته شدن رفتار معاندان و کافران نیست و کاربست فعل مضارع با حرف تسویف «س» در «سنسم» و «سنستدرج» یادآور این هشدار است که کيفر الهی چندان دور نیست. همچنین فعل مضارع «يَكْذِبُ» و «نَسْتَدْرِجُ» نتیجه مستمر همه کسانی است که حتمیت قیامت را تکذیب می کنند.

۷. سطح ادبی

در تحلیل سطح ادبی یک متن یا اثر، مسائلی از علم بیان همچون تشبیه، استعاره و سمبل و مسائل بدیعی مثل ایهام، تناسب و مسائل علم معانی چون ایجاز، اطناب، قصر و حصر مورد بحث قرار می گیرد. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۵۸) سوره قلم، با ویژگی هایی از قبیل «تناسب»، «تشبیه»، «کنایه» و «استعاره» آراسته است که در ادامه بررسی می شود.

۱.۷. تناسب

«تناسب» در علوم قرآنی به معنای هم شکلی و هم بستگی میان آیات و پیوند معنایی آیه ای با آیه دیگر است که گاه به صورت عام و خاص، گاه پیوند عقلی، حسی و خیالی یا نوعی از علاقه و تلازم ذهنی مثل سبب و مسبب، علت و معلول یا حتی دو مخالف و ضدی است که پیوستگی موضوعی را نشان می دهد. (قانعی، ۱۳۸۶: ۱۲۲، به نقل از بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱، ۱۳۱) در سوره قلم، پیوند معنایی آیات که گاهی به صورت سبب

و مسبب و گاهی به صورت علت و معلول رخ می‌نماید، مایه تناسب و همبستگی آیات این سوره شده است؛ برای مثال در آیه ﴿وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (قلم/۱) بین «قلم» و «یسطرون» و در آیه ﴿مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٌ أَثِيمٌ﴾ (قلم/۱۲) بین تعبيرات «مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ» و «معتد أثیم» و در آیه ﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ﴾ (قلم/۳۱) بین واژگان «ویلنا» (ای وای بر ما) و «طاغین» (طغیانگران) و در آیه ﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (قلم/۷) بین «اجتَبَاهُ رَبُّهُ» (خداوند وی را برگزید) و «جَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» (وی را از نیکوکاران قرار داد)، پیوند معنایی از نوع سبب و مسبب برقرار است.

از نظر تناسب بین آیات، برای مثال بین آیه ﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ﴾ (قلم/۱۵) (وقتی نشانه‌های ما بر آن‌ها خوانده می‌شود، آن‌ها را افسانه‌های پیشین می‌دانند) با آیه بعدی یعنی ﴿سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطوم﴾ (قلم/۱۶) (بینی این متکبران را به خاک خواهیم مالید) و بین آیه ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ﴾ (قلم/۱۹) با آیات بعدی یعنی ﴿فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ (قلم/۲۰-۲۱) پیوند علت و معلولی برقرار است.

۲.۷. استعاره در حرف

در آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/۴) استعاره در حرف علی وجود دارد؛ چه «خلق عظیم» را به مرکبی تشبیه کرده است که پیامبر بر آن سوار است و مسیر رسالت و ابلاغ را در می‌نوردد. ۳.۷. کنایه آیه ﴿سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطوم﴾ (قلم/۱۶) کنایه از ذلت و خواری است؛ زیرا واژه خرطوم تنها برای فیل و خوک استفاده می‌شود و کاربرد این واژه درباره کیفر مشرکان، که در بردارنده تشبیه معاندان به فیل است، کیفر همراه با تحقیر آنان را می‌رساند. دلیل این تحقیر در زبان قرآن، تشبیه انسان به فیل است. نمونه این تحقیر در ترکیب اضافی ﴿أصحاب الفیل﴾ (فیل/۱) دیده می‌شود؛ زیرا آوردن کلمه أصحاب برای فیل سواران این پیام را می‌رساند که این فیل سواران در ردیف فیل‌ها (همچون چارپایان بی‌خرد) بودند. (رازی، ۱۹۹۰: ۳۲، ۹۴) ۴. تشبیه در آیه ﴿فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ (قلم/۲۰) باغ را به زمین سوخته سیاه تشبیه کرده است. چنان حاصل دست‌رنج آنان نابود شد که گویا اصلاً کشت و زرعی صورت نگرفته بود؛ یعنی هیچ بهره مفیدی از اعمال خود نبردند.

۵.۷. استعاره تمثیلیه

﴿يَوْمَ يَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (قلم/۴۲) «کشف عن ساق» همانند تعبیر فارسی «دامن به کمر زدن» استعاره از آماده شدن برای کاری بزرگ و خطیر است.

۶.۷. مجاز عقلی ﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾ (قلم/۴۳) مجاز عقلی در خشوع چشمان به کار رفته است؛ از آن روی که آنچه در قلب

است، به وسیله چشم آشکار می شود.

از دیگر نکات بلاغی این سوره می توان به کاربرد ادوات تأکیدی همچون سوگند، حرف إن، نفی و استثناء اشاره کرد. آغاز این سوره با واو سوگند است ﴿وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (قلم/۱) سپس در آیات بعد با تأکیدات پی در پی ادامه می یابد. پایان سوره نیز با آیات ۵۱ و ۵۲ در قالب نفی و استثناء ﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (قلم/۵۲) شکل می گیرد.

همچنین در آیات ﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ ما لکم کیف تحکمون ﴿أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْغَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ﴾ سَلِّمُوا لَهُمْ بَدَلًا ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فُلْيَا تَوْأَمًا بَشَرًا كَانَتْ لَهُمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ (قلم/۳۵-۴۱) شروع این پرسش ها با همزه استفهام و تداوم آن با حرف عطف «ام» و با تأکید بر این پرسش که با صیغه امر «سل» در آیه ﴿سَلِّمُوا لَهُمْ بَدَلًا﴾ (قلم/۴۰) صورت می گیرد، مایه هشدار صریح و ابزار تنبه مخاطب است.

نتیجه گیری

سوره قلم آراسته به سبک زبانی در همه ابعاد آن است و سطح فکری، زبانی و ادبی را در بر می گیرد. در سطح فکری نفی اتهام از پیامبر و بیان دیدگاه خداوند نسبت به اخلاق آن حضرت برجسته است.

از دیدگاه زبانی و جلوه آوایی، این سوره با داشتن سجع های متوازن، موسیقی نامرئی و تکرار در خور توجه است. در این زمینه پدیده تکرار به مثابه ابزار تأکید، در آیات سوره قلم به صورت تکرار حرف، تکرار ادوات و تکرار واژگان دیده می شود.

در سطح نحوی، جمله های اسمیه حکایت گر پدیده های پایدار و نشان دهنده ثبات قدم پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و در مواردی که سخن از استمرار پدیده ها و رفتارهایی مانند ستیز با پیامبران در میان است، از فعل مضارع بهره گرفته شده است و بسامد کاربرد فعل مضارع به مراتب بیشتر از کاربرد فعل ماضی است. در سطح لغوی بیشترین فعلی که در این سوره به کار رفته، فعل مضارع است و به ستیز مستمر مشرکان با پیامبر اشاره دارد. در سطح ادبی یکی از زیباترین جنبه های ادبی سوره قلم، استفاده از آرایه هایی چون تناسب تعبیر یک آیه و وابستگی سبب و مسببی یا علت و معلولی آیات، استعاره، تشبیه و کنایه است.

در سوره قلم، سوگند آغاز این سوره، بسامد بالای ادوات تأکید إن و ترکیب نفی و استثناء نشانه هایی هستند که اصرار صاحب سخن (خداوند متعال) بر ایجاد یک باور در ذهن مخاطبان و قطعیت تکرار سنت الهی نسبت به کیفر معاندان پیامبر و شکست آنان در ستیز با آن حضرت را می رسانند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آزادی، پرویز و سهیلا نیکخواه، (۱۳۹۷): «سبک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی»، فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ص ۸۵-۶۵.
- اقبالی، عباس و شهرام امیری، (۲۰۱۹): «اسالیب الإقناع اللسانی فی الحدیث النبوی»، العمده فی اللسانیات، العدد ۳، الجزائر: جامعه بومصیاف، ص ۱۴۶-۱۴۸.
- باقری، مهدی (۱۳۸۸): «مقدمات زبان‌شناسی»، تهران: نشر قطره.
- الجارم، علی و مصطفی امین (۱۳۸۶): «البلاغه الواضحه»، تهران: انتشارات الهام.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۹): «بررسی سبک صالح حسینی در مقام مترجم ادبی»، طرح پژوهشی دانشگاه اراک.
- حسنعلیان، سمیه (۱۳۹۵): «بررسی و نقد کتاب اسلوب علی بن ابی‌طالب فی خطب الحریبه» پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۲، صص ۸۶-۵۷.
- خاقانی اصفهانی، محمد و محمدجعفر اصغری (۱۳۸۹): «سبک‌شناسی سوره مریم»، فصلنامه لسان مبین، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ص ۱۰۶-۳۹.
- _____ و مریم جلیلیان (۱۳۹۱): «ومضات أسلوبیه فی سوره الرحمن»، بحوث فی اللغه العربیه و آدابها، عدد ۶، ۵۴-۴۱.
- خامه‌گر، محمد (۱۳۸۲): «تفسیر ساختاری سوره قلم»، رشد آموزش قرآن، شماره ۳.
- خرایچنکو، میخائیل (۱۳۶۴): «فردیت خلاق نویسنده و تکامل ادبیات»، ترجمه: نازی عظیمی، تهران: نگاه.
- خلیل، ابراهیم، (۲۰۱۱): «مدخل لدراسة الشعر العربی الحدیث»، عمان: دارالمسیره.
- الرازی، محمد فخرالدین، (۱۹۹۰): «التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب»، مکه المکرّمه، دارالباز.
- سیدی، سید حسین و فرحناز شاهرودی، (۱۳۹۲): «درآمدی بر زیبایی‌شناسی تکرار حروف در نظم آهنگ درونی آیات قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷، صص ۵۱-۳۸.
- شجاع‌پوریان، ولی‌الله، (۱۳۹۲): «تأملی در شاخصه‌های قصه در قرآن»، مجله ادب عربی، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۱۳.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۲): «کلیات سبک‌شناسی»، تهران: انتشارات فردوسی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۹۷۴): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵): «تفسیر مجمع البیان»، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- عباس، حسن (۱۹۹۸): «خصائص الحروف العربیه و معانیها»، دمشق: اتحاد کتاب العرب.
- علی الصغیر، محمد حسین (۲۰۰۰م): «الصوت اللغوی فی القرآن»، بیروت: دار المؤرخ العربی.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین و حامد نوروزی (۱۳۸۹): «نقش تکرار آوایی در انسجام واژگانی شعر عروضی فارسی»، نشریه نثرپژوهی ادب فارسی، تهران، صص ۲۸۱-۲۵۱.
- قانع‌ی اردکان، علی (۱۳۸۶): «تناسب آیات»، مجله معرفت، شماره ۱۲۲.
- قهرمانی، بهاء‌الدین و محمدجواد جاوری (۱۳۹۵): «بررسی اعجاز لفظی و هنری قرآن کریم و ارتباط آن با آواعتباری»، فصلنامه ادبی-قرآنی، دانشگاه اراک، شماره ۳، صص ۱۲۷ تا ۱۵۴.
- کریمی، مریم (۱۳۸۹): «مبانی سبک‌شناسی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۷.
- الکواز، محمدکریم (۱۳۸۶): «الاسلوب فی الإعجاز البلاغی للقران الکریم»، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- کوهی گونیانی، قمر و فتح‌الله نجارزادگان و علی راد (۱۳۹۷): «توحید ربوبی در سوره قلم»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۰-۷.
- محمدی افشار، هوشنگ و کبری شایان‌مهر (۱۳۹۶): «سبک‌شناسی لایه‌ای»، کرمان: نشریه ادبیات پایدار، شماره ۹، صص ۲۸۱-۲۵۱.

- نجفی ایوکی، علی و زهرا و کیلی و نفیسه میرگلویی بیات (۱۳۹۲): «نشانه‌شناسی سروده "کلمات اسبارتاکوس الأخيرة"»، مجله علمی پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، سال سوم، شماره ۶، ص ۱۷۴-۲۰۴.
- _____ و سید رضا میراحمدی (۱۳۹۳): «نقد سبک‌شناسانه سروده بکائیه ایل شمس حزیران عبدالوهاب البیاتی»، مجله زبان و ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تهران، شماره دهم، صص ۱۶۷-۱۹۵.
- الهاشمی، احمد (۱۳۸۸): «ترجمه و شرح جواهر البلاغه»، ترجمه حسن عرفان، قم: بلاغت.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Azadi, Parviz and Soheila Nikkhah, (2015): "Stylistics of Surah Al-Waqi'ah Based on Linguistic Analysis", Quarterly Journal of Quranic Linguistic Research, Isfahan: University of Isfahan, pp. 85-65.
- Eghbali, Abbas and Shahram Amiri, (2019): "The methods of persuasion in the hadith of the Prophet", Al-Umda in the hadiths, number 3, Algeria: Jamiat al-Bumsayaf, pp. 146-148.
- Bagheri, Mehdi (2009): "Introduction to Linguistics", Tehran: Qatreh Publishing.
- Al-Jarim, Ali and Mustafa Amin (2007): "Clear rhetoric", Tehran: Elham Publications.
- Hori, Abolfazl (2010): "Study of Saleh Hosseini's style as a literary translator", Arak University research project.
- Hassan Alian, Somayeh (2016): "Review and Critique of the Book of Ali Ibn Abi Talib's Style in the Military Sermon" Journal of Critique of Arabic Literature, No. 12, pp. 86-57.
- Khaghani Esfahani, Mohammad and Mohammad Jafar Asghari (2010): "Stylistics of Surah Maryam", Quarterly of Lesan Mobin, Qazvin: Imam Khomeini International University, pp. 106-39.
- _____ و Maryam Jalilian (2011): "مضات الصلوی فی سوره الرحمن"، بهوت فی اللغة العربیة و ادبها، عدد 6، 41-54.
- Khomehgar, Mohammad (2003): "Structural Interpretation of Surah Qalam", The Growth of Quran Education, No. 3.
- Kharaychenko, Mikhail (1985): "Creative Individuality of the Writer and the Evolution of Literature", translated by Nazi Azimi, Tehran: Negah.
- Khalil, Ibrahim, (2011): "Introduction to the study of Arabic poetry and hadith", Oman: Dar al-Masira.
- Al-Razi, Muhammad Fakhruddin, (1990): "The Great Interpretation or the Keys of the Unseen", Makkah, Dar al-Baz.
- Sidi, Seyed Hossein and Farahnaz Shahverdi, (2013): "An Introduction to the Aesthetics of Repetition of Letters in the Internal Rhythm of Quranic Verses", Journal of Quranic Studies, No. 37, pp. 51-38.
- Shoja Pourian, Waliullah, (2013): "Reflections on the characteristics of the

- story in the Qur'an", *Journal of Arabic Literature*, Volume 5, Number 2, pp. 133-113.
- Shamisa, Sirius, (1993): "Generalities of Stylistics", Tehran: Ferdowsi Publications.
 - Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein (1974): "The Balance in the Interpretation of the Qur'an", Beirut: Scientific Foundation.
 - Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1415): "Tafsir Majma 'al-Bayan", Beirut: Scientific Foundation.
 - Abbas, Hassan (1998): "Characteristics of Arabic letters and their meanings", Damascus: Al-Kitab al-Arab.
 - Ali Al-Saghir, Muhammad Hussein (2000 AD): "The lexical sound in the Qur'an, Beirut: Dar Al-Murakh Al-Arabi.
 - Gholamhosseinzadeh, Gholamhossein and Hamed Norouzi (2010): "The role of phonetic repetition in the lexical coherence of Persian prose poetry", *Journal of Persian Literary Prose*, Tehran, pp. 281-251.
 - Ghani Ardakan, Ali (2007): "Proportion of verses", *Journal of Knowledge*, No. 122
 - Ghahremani, Bahauddin and Mohammad Javad Javari (2016): "A Study of the Verbal and Artistic Miracle of the Holy Quran and Its Relation to Semantic Voices", *Literary-Quranic Quarterly*, Arak University, No. 3, pp. 127-154.
 - Karimi, Maryam 1389: "Fundamentals of Stylistics", *Book of the Month of Literature*, No. 47.
 - Al-Kawaz, Mohammad Karim (2007): "The style in the rhetorical miracle for the Holy Qur'an", translated by Seyyed Hossein Seyyed, Tehran: Sokhan Publications.
 - Koohi Gouniani, Qamar and Fathollah Najarzadegan and Ali Rad (2018): "Tawhid Rabubi in Surah Qalam", *Journal of Interpretive Studies*, Fourth Year, No. 14, pp. 30-7
 - Mohammadi Afshar, Houshang and Kobra Shayanehmehr (2017): "Layered Stylistics", *Kerman: Journal of Sustainability Literature*, No. 9, pp. 281-251.
 - Najafi Ayouki, Ali and Zahra Vakili and Nafiseh Mirglooi Bayat (2013): "Semiotics of the poem" The words of the last Asbartacus "", *Scientific Research Journal of Critique of Contemporary Arabic Literature*, Third Year, No. 6, pp. 204-174.
 - _____ and Seyyed Reza Mirahmadi (2014): "Stylistic Critique of the Poetry of Bakayeh to Shams Haziran Abdolvahab Al-Bayati", *Journal of Arabic Language and Literature*, Tehran: University of Tehran, No. 10, pp. 195-116.
 - Al-Hashimi, Ahmad (2009): "Translation and explanation of the jewel of rhetoric", translated by Hassan Irfan, Qom: Rhetoric.